بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری - 14 /شهریور/ 1392

در پایان اجلاس دور روزه‌ی خبرگان (۱)

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

خوشامد عرض میکنم به آقایان محترم، علمای اعلام و برجستگان روحانی در سرتاسر کشور که بحمدالله در این جلسه مجتمع هستید. و اگرچه وظیفه‌ی مجلس خبرگان وظیفه‌ی محدّدی است در قانون اساسی، لکن نفس تشکیل این جلسه و اجتماع آقایان، موجب این شده است که بحثهای گوناگون مربوط به جنبه‌های مختلف و عرصه‌های مختلف کشور هم مطرح بشود، آقایان اظهارنظر کنند. خب، مسئولین هم در جلسه حضور دارند، خوشبختانه رئیس جمهور محترم و بعضی از مسئولین محترم دیگر، عضو این مجلس هستند و این امید افزایش پیدا میکند که نظرات آقایان مورد توجّه بیشتری قرار بگیرد. امیدواریم ان‌شاءالله که همین‌جور باشد ؛ ما هم تا آنجایی که توان هست، امکان هست و سعه‌ی میدان مسئولیّت و قدرت هست، ان‌شاءالله به آنچه مورد نظر آقایان است، کمك خواهیم کرد.

این نکته را هم من لازم میدانم عرض بکنم که کار تشییع جنازه‌ی شهدا - که در آغاز این اجلاس انجام گرفت - کار بسیار مفید و سازنده‌ای بود. (۲) اینکه مردم ببینند شخصیّتهای محترم و بزرگ، ریاست محترم مجلس و دیگران، به پیکر شهدا و تابوت شهدا احترام میگذارند - شهدایی که آنها را نمیشناسند ؛ به صِرف اینکه اینها شهیدان راه انقلاب و راه حق هستند - زیر تابوت آنها میروند و تشییع میکنند، این درسی است برای جامعه‌ی ما ؛ و من عرض بکنم کشور ما و جامعه‌ی ما تا مدّتهای مدید نیاز به این دارد که یاد شهیدان زنده بماند و راه شهیدان نمایان بماند.

مطلبی که به ذهن من رسید که عرض بکنم، این است که ما در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازیِ نظام، وظیفه داریم به مسائل گوناگون کشور با نگاه کلان و جامع نگاه کنیم. پیدا است که حوادث گوناگون که خارج از اختیار ما است - چه در سطح منطقه، چه در سطح جهان و چه حتّی در سطح کشور - اتّفاق می‌افتد. نظام اسلامی و مسئولان و ستونهای نگه‌دارنده‌ی این نظام در کنار آحاد مردم وظائفی دارند، نمیتوان این وظائف را در نسبتِ با حوادث تعریف کرد ؛ یعنی حادثه‌ای اتّفاق می‌افتد، ما به صورت انفعالی در مقابل این حادثه یك حرکتی بکنیم، یك موضعی بگیریم، یك اقدامی بکنیم، این نمیشود ؛ این به معنای کشانده شدن نظام جمهوری اسلامی به این‌سو و آن‌سو است. لازم است نگاه جامع و نگاه کلان به مسائل - که خب بحمدالله در کشور این نگاه کلان و جامع حاکم هم بوده ؛ این‌جور نبوده است که مسئولان از اوّل انقلاب تا امروز غفلت از این کرده باشند - همچنان حفظ بشود و با این نگاهِ جامع در مقابل حوادث موضع بگیریم، حادثه را بشناسیم.

نظام جمهوری اسلامی در میان تندبادِ حوادث گوناگون شکل گرفت ؛ این حرفِ بارهاتکرارشده است، لکن نباید از یاد ببریم نظامی که شعارش عبارت است از تحقّق دین خدا در زندگی مردم و در جامعه‌ی مردمی و کشور، شعارش قالب‌گیری زندگی اجتماعی ما است با شریعت الهی و دین الهی و ضوابط و ارزشهای الهی، یك چنین نظامی در دنیایی که دو سه قرن با سرعت به سمت مادّی‌گری پیش رفته و شکل گرفته، چیزی شبیه معجزه بود و این معجزه اتّفاق افتاد.

از اوّل تشکیل نظام اسلامی هم معارضه‌ها با "تکیه‌ی بر اسلام" شروع شد ؛ نگوییم که استقلال کشور یا سیاست مبارزه‌ی با نظام استکبار موجب دشمنی‌های آنها بود - که این حقیقتی است، همین است - منتها مبارزه‌ی با استکبار از دل اسلام جوشید، مردم‌سالاریِ ما از دل اسلام جوشید. بارها عرض شده است که این‌جور نیست که وقتی ما میگوییم مردم‌سالاری دینی، این به معنای یك ترکیب انضمامی بین مردم‌سالاری با یك مفهومی است و دین با یك مفهوم دیگری ؛ این نیست. مردم‌سالاری ما از دین سرچشمه گرفته است، اسلام این راه را به ما نشان داده است، با هدایت اسلام است که ما به نظام جمهوری اسلامی رسیدیم ؛ بعد از این هم به توفیق الهی همین‌جور خواهد بود.

این دشمنی‌ها متمرکز و متوجّه به اسلام است ؛ اگر چنانچه اسلام را از این نظام گرفتند و حذف کردند، آنچه ناشی از اسلام هم هست، به‌طور طبیعی حذف خواهد شد یا تضعیف خواهد شد یا کم‌رنگ خواهد شد ؛ با این نگاه باید مسائل را تحلیل کرد. صف‌بندی‌هایی وجود دارد در دنیا و در بسیاری از این صف‌بندی‌ها ما یك طرف قضیّه هستیم ؛ باید ببینیم طرف مقابل ما کیست؟ چیست؟ چرا دشمنی میکند؟ ما چرا در مقابل او مقاومت میکنیم؟ اینها را با یك نگاه کلان باید دید. فرمود: اَفَمَن یَمشی مُکِبّاً عَلی وَجهِهِ اَهدی اَمَّن یَمشی سَوِیّاً عَلی صِراطٍ مُستَقیم ؛ (۳) معنای «سَوِیّاً عَلی صِراطٍ مُستَقیم» همین است که با چشم باز، با بصیرت، با بینش، با ملاحظه‌ی همه‌ی جوانب، ببینیم که هدف چیست و راه [رسیدن] به این هدف چیست و واقعیّاتی که در سر راه ما وجود دارد، اینها چیست؟ با توجّه به اینها تصمیم‌گیری کنیم و حرکت بکنیم.

امروز شما ملاحظه کنید در منطقه‌ی ما حوادث گوناگونی در جریان است. از چندین سال پیش تا امروز، دستگاه استکبار، غربِ آسیا را منطقه‌ی تاخت‌وتاز خودش قرار داده ؛ علی‌رغم حضور استکبار در منطقه و فعّالیّتی که آنها کردند، بیداری اسلامی به‌وجود آمد ؛ و من عرض بکنم بیداری اسلامی تمام‌شده نیست ؛ این‌جور نیست که ما خیال کنیم که حالا با حوادثی که در بعضی از کشورها اتّفاق افتاد، بیداری اسلامی از بین رفت. بیداری اسلامی یك حادثه‌ی سیاسیِ محض نبود که مثل یك کودتایی، مثل یك جابه‌جایی‌ای یکی بیاید و یکی برود، بعد دیگری بیاید او را از بین ببرد. بیداری اسلامی به معنای این بود که یك حالت تنبّه و آگاهی و خودباوری با تکیه‌ی به اسلام در جوامع اسلامی پدید آمد ؛ در شمال آفریقا بر طبق یك اقتضائاتی، در مصر مثلاً یا در تونس یا قبل از اینها در سودان، حوادثی را به‌وجود آورد ؛ در جاهای دیگر هم این زمینه‌ی بالقوّه به‌طور کامل وجود دارد. این‌جور نیست که ما فکر کنیم که بیداری اسلامی از بین رفته است ؛ نه، این یك واقعیّتی در زیر پوست ظاهری جوامع است. لذا شما می‌بینید در کشوری که ادّعای گرایش به اسلام میکند، مردم به آن دولتی که گرایش به اسلام دارد رأی میدهند ؛ این نشانه‌ی اقبال به اسلام و توجّه به اسلام است. بنابراین حادثه‌ی بیداری اسلامی یك حادثه‌ی بسیار بزرگی است که وجود داشت ؛ علی‌رغم استکبار این حادثه به‌وجود آمد، برخلاف خواسته‌ی استکبار بود. و طبیعی است که از آن طرف هم واکنش وجود دارد ؛ امروز ما واکنش جبهه‌ی دشمن را داریم مشاهده میکنیم، هم در شرق منطقه‌ی ما، یعنی در منطقه‌ی پاکستان و افغانستان، تا منتهاالیه غرب آسیا، یعنی منطقه‌ی سوریّه و لبنان، حوادث وجود دارد. جبهه‌ی استکبار - که خب فرد شاخص جبهه‌ی استکبار هم دولت ایالات متّحده‌ی آمریکا است - منافعی برای خودشان در منطقه تعریف کردند با نگاه استکباری - یعنی همان نگاه استعماری قرن نوزدهمی با شکل جدید - و به دنبال این هستند که همه‌ی مسائل منطقه را با توجّه به این منافعی که برای خود تعریف کردند، حل بکنند ؛ قضیّه‌ی سوریّه هم از همین قبیل است، قضیّه‌ی بحرین هم از همین قبیل است. حضور استکبار در این منطقه، حضور متجاوزانه و زورگویانه و زیاده‌خواهانه‌ای است که هر مقاومتی در مقابل خودش را میخواهد از بین ببرد ؛ البتّه تا به حال بحمداللّه نتوانستند و نخواهند توانست.

این منطقه، منطقه‌ی سرشار از ثروت و دارای موقعیّت بسیار مهمّ جغرافیایی و طبیعی است، طبعاً به این منطقه توجّه دارند، نظر دارند، که اگر انسان نگاه کند به حرفهای اینها و آنچه که تاکنون انجام دادند، هدفشان این است که این منطقه را با محوریّت رژیم صهیونیست، متعلّق به خودشان کنند و حاکمیّت خودشان را در آنجا مستقر کنند ؛ دنبال این هستند. در همین قضایای اخیر سوریّه هم ملاحظه میکنید، این بهانه‌ای که اخیراً مطرح کرده‌اند، مسئله‌ی شیمیایی است. حالا البتّه با زبان‌بازی و لقاظی سعی میکنند که وانمود کنند به خاطر یك مسئله‌ی انسانی میخواهند وارد این قضیّه بشوند ؛ کیست در دنیا که دروغ بودن این ادّعا را نداند؟ آنچه که برای سیاستمداران آمریکا بلاشك مطرح نیست، همین جنبه‌های انسانی است. اینها کسانی هستند که در زندان گوانتانامو و قبل از آن در ابوغریب عراق، چند هزار زندانی را بی‌محاکمه به صِرف اتّهام، چند سال نگه داشتند، هنوز هم عدّه‌ای از آنها هستند ؛ خب، این انسانی است؟ اینها کسانی هستند که بمباران شیمیایی وسیع صدام را در این منطقه - چه آنچه در حلبچه‌ی عراق اتّفاق افتاد، چه آنچه در شهرهای ما، سردشت و غیره، اتّفاق افتاد - دیدند و دم بر نیاوردند، بلکه حتّی کمك هم کردند ؛ حالا ما فرض کنیم که کمك به معنای این نبوده است که آمریکایی‌ها ابزار شیمیایی را به

آنها داده باشند - البتّه غربی‌ها دادند، در این تردیدی نبود و اطّلاعاتش دست ما هست - ولی حدّاقل این است که آمریکایی‌ها دیدند، مطّلع شدند و کمترین اعتراضی نکردند ؛ اینها مسئله‌ی انسانی‌شان این‌جوری است. در افغانستان، در پاکستان، کاروانهای عروسی مردمی را به رگبار بستند، افرادی را کشتند، صدها هزار را در عراق به زور و ظلم کشتند، از بین بردند، الان هم عوامل آنها هنوز دارند همین کارها را میکنند ؛ اینها دم بر نمی‌آورند. مسئله‌ی انسانیّت چیزی نیست که کسی در دنیا باور بکند که آمریکایی‌ها دنبال این هستند ؛ حالا لقّاظی میکنند، زبان‌بازی میکنند، این را میگویند برای اینکه بتوانند حرکت خودشان را توجیه کنند. و البتّه ما عقیده‌مان این است که اینها اشتباه میکنند، خطا میکنند و ضربه‌ی وارده‌ی بر خودشان را در این زمینه احساس خواهند کرد و قطعاً در این مورد ضرر خواهند کرد ؛ در این تردیدی وجود ندارد. خب، این وضع منطقه است.

نظام جمهوری اسلامی با آن سابقه‌ی بسیار معجزآسا - که در میان این تندباد حوادث به‌وجود آمد، بعد هم در طول سالهای متمادی، در مقابل معارضه‌ها ایستاد و نه فقط ضعیف نشد و شعارهای او کمرنگ نشد، بلکه روزبه‌روز از لحاظ واقعی قوی‌تر شد ؛ که جمهوری اسلامی امروز با جمهوری اسلامی سی سال قبل و بیست و پنج سال قبل، از لحاظ اقتدار و توسعه‌ی نفوذ و توانایی‌های درونی، تفاوت از زمین تا آسمان دارد ؛ و شعارهای او هم شعارهای مستحکمی است - و با نگاه به نقشه‌ی دشمن در این منطقه، باید بداند که چه باید انجام بدهد ؛ آنچه ما تصوّر میکنیم که وظیفه‌ی ما است، وظیفه‌ی مجموعه‌ی مسئولان کشور است، وظیفه‌ی دولت جمهوری اسلامی است، این است که این سه مؤلّفه‌ی بزرگ را برای همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها و همه‌ی اقدامها در نظر داشته باشد:

مؤلّفه‌ی اوّل عبارت است از آرمانها و اهداف نظام جمهوری اسلامی ؛ که این اهداف و آرمانها مطلقاً نبایستی از نظر دور بشود ؛ که آرمان نظام جمهوری اسلامی را میشود در جمله‌ی کوتاهِ "ایجاد تمدّن اسلامی" خلاصه کرد. تمدّن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادّی میتواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد ؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزّتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگیِ جهان طبیعت ؛ تمدّن اسلامی یعنی این ؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.

مؤلّفه‌ی دوّم عبارت است از راه‌هایی که ما را به این اهداف میرساند ؛ راهبردهای عمومی و کلّی ؛ این راهبردها را بایستی شناخت، تکیه‌ی بر اسلامیّت، ملاحظه‌ی ظالم نبودن و مظلوم نشدن در تعاملات گوناگون ؛ اینکه فرمود: كُونا لِلظّالِمِ خَصماً و لِلمَظلُومِ عَوناً، (۴) این یك وظیفه است، این یك راهبرد کلّی است. راهبرد تکیه‌ی به آراء مردم و آنچه که مردم‌سالاری را تشکیل میدهد و راهبردهایی از این قبیل ؛ اینها سیاستهای کلان و اساسی و راهبردهای اصلی نظام جمهوری اسلامی است برای رسیدن به آن آرمانها ؛ کار عمومی، تلاش عمومی، ابتکار عمومی، وحدت ملّی، و از این قبیل چیزهایی که وجود دارد.

[و سوّم] واقعیّات، واقعیّات را هم باید دید ؛ که من حضور مسئولان نظام و کارگزاران نظام در ماه مبارك رمضان، (۵) عرض کردم که آنچه ما لازم داریم، آرمان‌گرایی با نگاه به واقعیّتها است. واقعیّتها را هم باید درست فهمید، آنچه که از واقعیّتها موجب اقتدار است، آنها را باید شناخت ؛ آنچه از واقعیّتها که کمبود و نقص است، آنها را هم باید شناخت ؛ آنچه که مانع حرکت است، اینها را باید شناخت ؛ واقعیّتها را باید درست فهمید. من تعدادی از واقعیّتها را اسم بردم در آنجا که اینها واقعیّتهای شیرین موجود ما است، همه‌اش نباید نقصها را دید یا ضعفها را دید. وجود فکرهای برجسته، وجود عناصر فعّال و مبتکر، رواج معرفت دینی و معنویّت در بین بخش وسیعی از نسل جوان، بقاء شعارهای دینی و اسلامی، نفوذ روزافزون نظام جمهوری اسلامی در منطقه و در عالم ؛ اینها واقعیّتهایی است که وجود دارد ؛ این واقعیّتها را هم باید دید. البتّه واقعیّتهای تلخی هم در کنار این، مثل همه‌ی زندگی انسان که مخلوطی از شیرینی و تلخی است، وجود دارد ؛ با تکیه‌ی به آن واقعیّتهای شیرین و تقویت آنها، بایستی کوشش کرد برای اینکه واقعیّتهای تلخ و نامطلوب زدوده بشوند یا کم بشوند.

این سه عنصر را باید در نظر داشت ؛ یعنی آرمانها را از نظر دور نداشت، راهبردها را نبایستی از نظر دور داشت، البتّه واقعیّتها را هم باید دید. اگر چنانچه واقعیّتها را نبینیم، راه را درست نخواهیم رفت ؛ امّا وجود واقعیّتها هم

نبایستی ما را از راه‌هایمان منصرف بکند. اگر چنانچه وجود یك صخره‌ای در راه موجب بشود ما از راه برگردیم، خطا کردیم ؛ اگر وجود این صخره ندیده گرفته بشود و بی‌محابا انسان برود، باز هم خطا کرده ؛ امّا اگر چنانچه نگاه کنیم ببینیم در اطراف این صخره چه راه‌هایی را میتوان ایجاد کرد، یا خود این صخره را چگونه میتوان برداشت، یا در او منفذی ایجاد کرد، یا راه موازی‌ای برای آن پیدا کرد، آن‌وقت این نگاه صحیح به واقعیّتها است، این همان کاری است که امام بزرگوار ما در فصل اوّل این انقلاب یعنی در آن ده سال تعیین‌کننده و بسیار حسّاس انجام دادند. امام بزرگوار، در مقابل واقعیّتها چشم خود را نبست، امّا کوتاه هم نیامد، راهبرد را فراموش نکرد. ببینید وضعیّت امام را، زندگی امام را، شعارهای امام را ؛ امام بزرگوار همان کسی است که در مورد مسئله رژیم صهیونیستی از هیچ کس تقیّه نکرد ؛ اینکه رژیم صهیونیستی یك غدّه‌ی سرطانی است و باید از بین برود، این حرف امام است. در قبال شرارتهای قدرت مستکبر و مداخله‌گر آمریکا هیچ تقیّه‌ای و ملاحظه‌ای نکرد ؛ اینکه آمریکا شیطان بزرگ است، این حرف امام است. اینکه حمله‌ی جوانان مسلمان و دانشجویان مسلمان به سفارت آمریکا و تصرّف ابزارها و مدارك جاسوسی آنها را امام انقلاب دوّمی دانست که شاید از انقلاب اوّل مهم‌تر است، این حرف امام است ؛ اینها حرفهای امام است، اینها روشهای امام است. در قضیّه‌ی جنگ، اینکه فرمود: جنگ تا رفع فتنه، این حرف امام است ؛ دیگران میگفتند جنگ جنگ تا پیروزی، امام فرمود جنگ تا رفع فتنه. این ایستادگیها بود که پایه‌ی این نظام را مستحکم کرد.

آن کسانی که این راه را نشناختند و در کشورهای خودشان جور دیگری عمل کردند، برای اینکه دل مستکبرین را به‌دست بیاورند از اصول خودشان گذشتند و شعارهای اساسی خودشان را فراموش کردند، ملاحظه میکنید که به چه روزی افتادند ؛ آنها کسانی هستند که اگر چنانچه در مصر شعار مبارزه‌ی با اسرائیل وجود میداشت، اگر در مقابل وعده‌های آمریکا و عوامل آمریکا کوتاه نمی‌آمدند، این‌جور معلوم نبود بشود، یعنی قطعاً این‌جور نمیشد که دیکتاتور سی ساله‌ی ذلیل‌کننده‌ی ملّت مصر از زندان آزاد بشود و آن کسانی که با رأی مردم انتخاب شده بودند، احتمال محکومیّت به اعدام درباره‌ی آنان برود ؛ اصلاً چنین چیزی ممکن نبود پیش بیاید. آن کسانی که در میدان ایستادند در مقابل همین منتخبین - ساده‌دلان - شعار دادند، اگر آن مواضع اصولی میبود، نصف آنها یا بیشتر آنها به طرف اینها می‌آمدند، یعنی کسانی نبودند که مقابله کنند، معارضه کنند. از مواضع اصولی وقتی انسان عقب‌نشینی کرد، این‌جور خواهد شد. اینها چیزهایی است که به‌هرحال باید [رعایت کرد].

آنچه که ما احساس میکنیم که برای رفع مشکلات بایدانجام داد - مشکلات هم مال امروز نیست، مشکلات همیشه وجود داشته است، در همه‌ی کشورها هم وجود دارد ؛ یعنی اگر کسی تصوّر کند که حالا در فلان کشور پیشرفته، یا فلان کشور اروپایی، یا غربی، یا ثروتمند، یا پرجمعیّت، یا کم‌جمعیّت، مشکلاتی وجود ندارد، خطا است ؛ مشکلات همه‌جا هست ؛ طبیعت کار یك ملّت این است که بالاخره در کار او مشکلاتی وجود دارد، مسئولینش باید آن مشکلات را برطرف بکنند و حرکتشان را ادامه بدهند ؛ حالا بعضی میخواهند مشکلات را با کمك دیگران، با تکیه‌ی به دیگران، با رشوه دادن به دیگران، با تذلّل در مقابل دیگران حل کنند ؛ بعضی‌ها هم نه، میخواهند مشکلات را با نیروی خودشان، با توان داخلی خودشان حل کنند - اعتقادمان این است که باید به تقویت ساخت درونی نظام اهمّیّت بدهیم ؛ این اساس کار است. از درون، خودمان را باید تقویت کنیم. تقویت درونی با اندیشه‌ی کامل، با نگاه عاقلانه و خردمندانه چیزی است ممکن ؛ چه به‌وسیله‌ی پیشرفت علمی، چه به‌وسیله‌ی ساخت و مدیریّت درست اقتصادی ؛ اینها کارهایی است که به نظر ما ممکن است.

خب، امروز شما ملاحظه کنید، وقتی روی نفتِ ما فشار می‌آورند، ما دچار مشکل میشویم، این ناشی از چیست؟ ناشی از این است که ما تکیه‌مان را به نفت از بعد از دوره‌ی جنگ و پایان جنگ تا امروز، نتوانستیم کم کنیم، اگر ما تکیه‌مان را به نفت کم میکردیم، فشار بر روی نفت این‌قدر برای ما سخت تمام نمیشد. بنابراین به خودمان بایستی مراجعه کنیم، از خودمان بایستی بخواهیم که گره‌ها را با نیروی اراده حل کنیم.

امروز هم خب، بحمدالله یك دولت تازه‌نفسی هست، یکی از امتیازات وضع کنونی ما این است که یك دولت تازه‌نفس وارد کار شده، با فکرهای نو، با ابتکارات نو، با ایده‌های جدیدی، با یك مجموعه‌ای از افرادی که

توانایی‌هایی دارند، میخواهند مشغول کار بشوند و کار را پیش ببرند ان‌شاءالله به سمت همان هدفهایی که اعلام هم کردند. رئیس‌جمهور محترم هم یك روحانی باسابقه‌ی فعّال در عرصه‌های گوناگونِ انقلابی کشور است، این هم یکی از امتیازاتی است که وجود دارد. طبیعت کار این است که همه کمك کنیم ؛ من وظیفه‌ی خودم میدانم، همه‌ی دولتها را ما کمك کردیم، از همه‌ی دولتها حمایت کردیم، به این دولت هم قطعاً کمك خواهیم کرد و حمایت خواهیم کرد، و مسئولین هم همین‌جور. البتّه حمایت بنده‌ی حقیر از دولتها به معنای این نیست که همه‌ی کارکرد آن دولتها را ما قبول داشته باشیم ؛ نه، در دوره‌های مختلف، دولتهای گوناگونی بودند، از همه‌شان هم ما حمایت کردیم، به همه‌شان هم ایرادهایی داشتیم در زمینه‌های مختلف ؛ اما آن ایرادها نباید موجب بشود که ما دولت را بیگانه‌ی از خودمان بدانیم و دست حمایت و کمکی که همه باید به سمت دولتها دراز کنند، این را انجام ندهیم. لازم است که ان‌شاءالله این حمایت و کمك انجام بگیرد، و دعا کنیم و توصیه کنیم ؛ نصیحت هم لازم است ؛ النَّصیحَةُ لِأئِمَّة المُؤمِنین، یعنی سخن خیرخواهانه، که حالا گاهی این سخن خیرخواهانه ممکن است درشت و تند و تیز هم باشد، که طبیعت کار این است که اگر مسئولانی که مخاطب این سخن تندوتیز قرار میگیرند، درست فکر کنند، گمان میکنم خرسند باشند ؛ حتّی آن سخن تندوتیز هم به نفع آنها است. به هرحال، من وقتی نگاه میکنم به وضع کشور و آینده‌ی کشور، با وجود حالا بعضی مشکلاتی که دوستان مطرح کردند و بسیاری را هم مطرح نکردند، بنده آینده را بسیار خوب می‌بینم، و راه را راه روشنی می‌بینم، آرمانهای ما آرمانهای مشخّصی است، میدانیم چه‌کار میخواهیم بکنیم ؛ راه به سوی این آرمانها هم راه روشن و مشخّصی است ؛ راهبردهایمان هم دچار ابهام نیست و معلوم است که چه کار باید انجام بگیرد.

در این سالها جبهه‌بندی‌های منطقه‌ای و جهانی هم آشکار شده. البتّه نرمش و انعطاف و مانور هنرمندانه و قهرمانانه در همه‌ی عرصه‌های سیاسی، یك کار مطلوب و مورد قبولی است، لکن این مانور هنرمندانه نبایستی به معنای عبور از خطوط قرمز، یا برگشتن از راهبردهای اساسی، یا عدم توجّه به آرمانها باشد ؛ اینها را باید رعایت کرد. البتّه هر دولتی، هر شخصی، هر شخصیّتی، روشهایی دارند، ابتکاراتی دارند، این ابتکارات را انجام خواهند داد و [کار] پیش خواهد رفت. من کاملاً خوش‌بین هستم و معتقدم مشکلاتی که وجود دارد، اعم از مشکلات اقتصادی، یا مشکلات سیاسی، یا مشکلات امنیّتی، و اهمّ از همه‌ی آنها مشکلات فرهنگی که عمیق‌تر و مهم‌تر از مشکلات اقتصادی است - اگرچه ممکن است فوریّت بعضی از کارهای اقتصادی بیشتر باشد - همه‌ی این مشکلات قابل حل، و راه، قابل پیمودن است. از خداوند متعال میخواهیم که کمك کند.

من این جمله را هم یادداشت کرده بودم که عرض بکنم، توجّه داشته باشند ؛ یکی از راهبردهای اساسی دشمنان اسلام و بخصوص دشمنان نظام اسلامی در منطقه، راهبرد ایجاد اختلاف فرقه‌ای و مذهبی و مسئله‌ی شیعه و سنّی است ؛ این را توجّه داشته باشید. و دو دسته عامل و مزدور دشمن در این زمینه شدند: یك دسته از سنّی‌ها، یك دسته از شیعه‌ها ؛ یك دسته آن تکفیریهای منحرفِ از حقیقت دین، یك دسته هم از کسانی که برای دشمن کار میکنند، زیر اسم شیعه و به نام شیعه، تحریكِ احساسات دیگران را میکنند، و دشمنی‌ها را توجیه میکنند و آتش فتنه را برافروخته میکنند. هر مجموعه‌ای، هر دستگاهی، هر دولتی که فریب این توطئه‌ی بزرگ را بخورد و غرق بشود در این قضیّه، و هر مجموعه‌ای که اشتباه بکند، قطعاً ضربه خواهد زد به حرکت اسلامی و به نظام اسلامی، بخصوص به کشور ما ضربه خواهد خورد. من اصرار دارم بر اینکه بزرگان علما، چه شیعه، چه سنّی، چه در ایران، چه در مناطق دیگر، توجّه بکنند که اختلافات بین فرقه‌های اسلامی نباید موجب بشود که ما یك جبهه‌ی جدیدی در مقابل خودمان باز کنیم و از دشمن اصلی که دشمن اصل اسلام و دشمن استقلال و دشمن بهروزی مردم منطقه است، غافل بمانیم.

امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال به همه‌ی ما کمك کند و توجّهات حضرت بقیّةالله (ارواحنا فداه) و دعای این بزرگوار شامل حال همه‌ی شما و ما باشد.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۱) این دیدار به مناسبت تشکیل چهاردهمین اجلاس رسمی دوره‌ی چهارم مجلس خبرگان رهبری در روزهای ۱۲ و ۱۳ شهریور سال جاری، برگزار شد.
۲) در تازه‌ترین تفحّص برون‌مرزی کمیته‌ی جستجوی مفقودین ستاد کلّ نیروهای مسلّح پیکر مطهّر ۹۲ شهید در مناطقی از کشور عراق - از جمله مناطق عملیّاتی فاو و جزیره‌ی مجنون - کشف شد و در ۲۴ مرداد سال جاری، از طریق مرز شلمچه به جمهوری اسلامی ایران منتقل شده و طی مراسمی با اجساد ۶۱ سرباز کشته شده‌ی عراقی مبادله شدند. این شهدا روز ۱۱ شهریور و مقارن با سالروز شهادت حضرت امام جعفر صادق (علیه‌السّلام) در تهران تشییع شدند.
۳) سوره‌ی ملك، آیه‌ی ۲۲
۴) نهج البلاغه، نامه‌ی ۴۷
۵) ۱۳۹۲/۴/۳۰